

## گناه آن دو سرو آزاد!



۳۱ آبانماه ۱۳۸۹

محمد حسینی

میدانیم گناه مصدق بزرگ چه بود؟  
به نقل از دفاعیات مصدق بزرگ در بیدادگاه شاه و دیگر عمال سرسپرده بیگانه:

اینجناب نمی‌خواهم عرض کنم که عواید نفت خدمت بزرگی به اوضاع اقتصادی مملکت و بالا بردن سطح زندگی مردم نمی‌کند بلکه می‌خواهم این را عرض بکنم که عواید نفت وقتی برای ما مفید است که آزادی و استقلال ما از بین نرود یعنی مملکت را باید با عواید نفت معامله نکنیم.)  
**دکتر مصدق سپس، گناه خود را چنین بیان نمود: تنها گناه من و گناه بزرگ و بسیار بزرگ من این است که صنعت نفت ایران را ملی کردم و بساط استعمار و اعمال نفوذ سیاسی و اقتصادی عظیم ترین امپراطوری جهان را از این مملکت برچیدم حیات من و مال و موجودیت من و امثال من در برابر حیات و استقلال و عظمت و سرافرازی میلیون‌ها ایرانی و نسل‌های متوالی این ملت کوچکترین ارزشی ندارد و از آنچه برایم پیش آمد هیچ تاسف ندارم و یقین دارم وظیفه تاریخی خود را تا سر حد امکان انجام داده ام عمر من و شما و هرکس چند صباحی دیرپا زود به پایان می‌رسد ولی آنچه می‌ماند حیات و سرافرازی یک ملت مظلوم و ستم‌دیده است. ... چون از مقدمات کار و تعقیب جریان دادرسی معلوم است که در گوشه زندان خواهم مرد و این صدا و حرارت را که همیشه در خیر مردم به کار برده ام خاموش خواهند کرد و جز در این لحظه نمی‌توانم با هموطنان عزیز صحبت کنم. بدین وسیله از مردم رشید و عزیز ایران مرد و زن تودیع می‌کنم و تاکید می‌کنم که در راه پر افتخاری که قدم برداشته اند از هیچ حادثه‌ای نهراسند.**

اما گناه آن دو سرو آزاد پروانه و داریوش فروهر چه بود؟

زنده یادان پروانه و داریوش فروهر تنها بازماندگان جدی «نهضت ملی ایران» به رهبری زنده یاد دکتر محمد مصدق و تنها دو ستون باقی مانده از ستون هایی نظیر زنده یاد دکتر حسین فاطمی بودند که پرچم تلاش برای استقرار استقلال – آزادی، و عدالت اجتماعی را در

ایران بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد همچنان به دوش داشتند و لحظه ای زمین نمی گذاشتند. این تنها گناه و گناه بزرگ آن دو سرو آزاد بود که در صورت زنده بودنشان محال بود بتوانند ملت ایران را به روز سیاه امروزی در اندازند. آن ها بدین دلیل نام حزب خود را « حزب ملت ایران» نام نهادند. آن ها همیشه برای فدا شدن در راه رسیدن به اهداف مصدق بزرگ برای ایران جان برکف آماده فداکاری بودند.

نگارنده به دلیل شناختی که از آن دو سرو آزاد داشت پس از قتل ناجوانمردانه و فجیع آن ها به اطرافیانسان اعم از افراد فامیل نزدیک و یا همفکران و همزمانشان در حزب پیشنهاد کرده بودم در رسای آن اندوه بزرگ نباید عزاداری خصوصی و فامیلی به راه انداخت بلکه باید فاجعه قتلشان را به «عزای ملی» و «عزاداری ملی» تا لحظه سرنگون شدن نظام اسلام سیاسی که به خواسته و با حيله امپریالیزم جهانی جای استبداد شاهنشاهی را در میهن ستمدیده ما گرفت ادامه داد. اما چنین نشد . . . . افسوس . . . عزای آن دو سرو آزاد به عزاداری خصوصی در خانه شان مبدل شد و همچنان هر سال در همان خانه مراسم یادبود آن ها توسط افراد نزدیک به آن ها بر پا می شود.

اکنون نیز گرچه راه اندازی «عزای ملی» پس از گذشت اینهمه سال از آن فاجعه بزرگ عملی نیست، اما تداوم راه آن دو ستون باقی مانده از «نهضت ملی ایران» از راه ایجاد «جبهه ملت ایران» بجای «حزب ملت ایران» نه تنها عملی و شدنی، بلکه ضروریست. جبهه ای که با باور عمیق و جدی به دو خط قرمز:

(۱) **خط قرمز با استبداد ایران بر باد ده اسلامی و هرنوع استبداد و**

(۲) **خط قرمز با دخالت بیگانه(امپریالیزم) در امور داخلی ایران** تشکیل گردد.

**یاد و خاطره آن دو سرو آزاد زنده، و راهشان پایدار باد**

<http://www.youtube.com/watch?v=I3OdONqrC7U&feature=related>

